

مرضیه مکاریان
دبیر ادبیات و
کارشناس ارشد زبان
و ادبیات فارسی
خمینی‌شهر

مقدمه

شاهنامه، اثر معروف ابوالقاسم فردوسی، متعلق به اواخر قرن چهارم هجری و در بردارنده روایات اساطیری، پهلوانی و تاریخی از عهد کیومرث تا پایان روزگار یزدگرد سوم ساسانی است. این اثر به لحاظ بیان رویدادها و وقایع تاریخی ایران آن زمان سند مهمی برای ایرانیان محسوب می‌شود.

ایلیاد و ادیسه دو اثر بزرگ یونان است که هومر آن‌ها را به فرهنگ و ادبیات غنی یونان هدیه کرده است. هومر، شاعر مشهور یونانی، در این منظومه‌ها، آداب و رسوم، مشاغل، بناهای مسکونی، ابزارهای کار و سلاح‌های یونانیان باستان را به تصویر کشیده است. اهمیت رویدادها، وقایع و عقاید یونانیان ذکر شده در این آثار در مطالعه تاریخ یونان در قرون نهم تا یازدهم قبل از میلاد به قدری فراوان است که این دوره پرشکوه را «دوره هومر» (Homerie age) نامیده‌اند.

درباره فرهنگ و ادبیات ایران و یونان کتاب‌های بسیاری نوشته شده و صدا بسته در مورد زن به عنوان عامل تأثیرگذار در فرهنگ نیز مطالبی در این کتاب‌ها درج شده است. نگارنده در این تحقیق در نظر دارد با مطالعه این سه اثر حماسی، مقام و شخصیت زنان برجسته را در این آثار مورد پژوهش و نقد قرار دهد و نیز با نگاهی مقایسه‌وار، از طرفی به فرهنگ و تاریخ سنتی ایران در شاهنامه و از طرف دیگر به فرهنگ یونان در ایلیاد و ادیسه، تفاوت‌ها و ارزش‌های مقام و شخصیت زن را در این دو فرهنگ آشکار کند.

البته هدف آن نیست که تک‌تک شخصیت‌های زنانه در این آثار به‌طور فردی مورد بررسی قرار گیرند بلکه با نگاهی کلی به چگونگی مقام و شخصیت زن در فرهنگ آن زمان ایران به عنوان یک کشور اسلامی و سنتی و یونان به عنوان کشوری اروپایی تفاوت‌ها و ارزش مقام زن در این دو فرهنگ مشخص می‌گردد. شاهنامه فردوسی و ایلیاد و ادیسه هومر به عنوان آثار حماسی و به یمن جلوه‌گاه پهلوانی و رزم‌آوری قهرمانان خود دارای شخصیت‌های بزرگ مردانی هستند که زندگی و مرگشان نماد آزادی و افتخار است. با این اوصاف، نباید زنان بزرگ و برجسته را نادیده گرفت که با آگاهی و خردمندی خویش نقشی اساسی در جریان این حماسه‌ها ایفا کرده‌اند.

نقش و شخصیت زنان در شاهنامه فردوسی

فردوسی، این سراینده یادنامه اقوام ایرانی، گزارشگر احوال قدرت‌ها در دوره‌های تاریخی است. او زنان و مردان را در رابطه با قدرت و انواع موازنه‌هایش توصیف می‌کند و در این میان، نقش زن را

نقش و شخصیت زنان در شاهنامه فردوسی

پیکیده: شاهنامه یکی از بزرگ ادبی حماسی است که شاعر والا مقام ایرانی، فردوسی پاک‌زاد آن را به فرهنگ و تاریخ ایرانیان هدیه داده است. از طرف دیگر، هومر شاعر بزرگ یونانی، با خلق دو اثر حماسی به نام ایلیاد و ادیسه فرهنگ و ادبیات اروپایی را جان تازه کرده است. ایلیاد و ادیسه برای مردم اروپا همان اهمیت و ارزشی را دارند که شاهنامه فردوسی برای ما ایرانیان نگارنده در این تحقیق در نظر دارد با مطالعه این سه اثر حماسی، مقام و شخصیت زنان برجسته آن‌ها را مورد پژوهش و نقد قرار دهد.

کلید واژه‌ها: شاهنامه فردوسی، ایلیاد و ادیسه هومر، زنان برجسته، ارزش زن در دو فرهنگ، تفاوت دو فرهنگ از نظر نگاه به زن.

نادیده نمی‌گیرد و تأثیر زنان را در دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی آشکار می‌سازد.

شاهنامه برخلاف شهرتی که نزد اشخاص ناآشنا پیدا کرده است، یک کتاب ضدزن نیست و در تمام دوران پهلوانی - از سودابه که بگذریم - یک زن پتیاره در آن دیده نمی‌شود. برعکس، در همین دوره تعدادی زن بسیار بزرگوار دیده می‌شود که نظیر آن‌ها از لحاظ فداکاری و دلاویزی نه تنها در دیگر آثار فارسی بلکه در آثار بزرگ باستانی سایر کشورها نیز به ندرت دیده می‌شود. اکثر زنان شاهنامه نمونه‌های بارز زن تمام‌عیار ایرانی هستند که در عین برخورداری از فرزندی و بزرگ‌منشی از جوهر زنانگی و زیبایی به نحو سرشار بهره‌مندند. حتی زنان خارجی که به ایرانیان می‌پیوندند، از صمیم قلب ایرانی می‌شوند و جانب نیکی را - که جانب ایران است - می‌گیرند. (ندوشن، ۱۳۷۲: ۵-۱۴۴) آن‌ها زیبایی ظاهری و شرم و حیا را توأمان دارند.

به سه چیز باشد زنان را بهی که باشند زیبای تخت مهی یکی آنکه با شرم و با خواسته‌ست که جفتش بدو خانه آراسته‌ست...

سوم آن که بالا و رویش بود

به پوشیدگی نیز مویش بود (شاهنامه، ۱۳۸۳: بیت ۵۳۴ و ۵۳۲)

زن در شاهنامه عامل انسجام قلمروهای حکومتی است. در ازدواج درون‌گروهی عامل پایداری قدرت است و در ازدواج برون‌گروهی نقش مؤثری در جذب، دفع و حذف قدرت دارد. زن در شاهنامه گاهی به عنوان مظهر جادو و فریب‌کاری ظاهر می‌گردد و زمانی به عنوان عامل تأثیرگذار روابط سیاسی وارد صحنه داستان می‌شود. (بوسفی، ۱۳۸۲: ۲۰-۱۹) زنانی چون فرانک - مادر فریدون - که زمینه‌ساز قیام کاوه بود، کتایون - همسر گشتاسب و مادر اسفندیار، سیمین دخت مادر رودابه - که با درایت خود سرزمین و مردمش را از هلاکت نجات داد و ... هر کدام در دلاوری، وفاداری و سیاست کمتر از قهرمانان مرد در شاهنامه نبوده‌اند، در شاهنامه برای آن که نطفه قدرت بسته شود، باید نمایندگان قدرت در تمامی قلمرو حکومت هم پیوند باشند. بر این اساس، زن در خانه شوهر نقش دوگانه همسر و نماینده خاندان پدر را می‌یابد. در شاهنامه از کیومرث تا یزدگرد سوم تمامی شاهان، فرزندان از زوج‌های درون‌گروهی هستند یا در جایی دیگر فردوسی دو دختر جمشید را که مدت هزار سال هم‌خوابه ضحاک بوده‌اند، جوان و زیبا نگه می‌دارد تا

از فریدون بارور شوند و جهان میان سه فرزندی که این سه خواهر می‌زایند، تقسیم گردد. بنابراین، مشاهده می‌شود که فردوسی سلسله‌های سلطنتی ایران را با رشته زناشویی و هم‌گوهری به یکدیگر می‌پیوندد و با ازدواج درون‌گروهی دوامشان تضمین می‌شود. در اینجا رابطه زن و مرد از نوع رابطه عاطفی، جنسی نیست بلکه رابطه قدرت‌هایی است که از طریق زن با یکدیگر پیوند می‌خورند. (ندوشن، ۱۳۷۲: ۳۴۲)

فردوسی در داستان بیژن و منیژه رابطه دو قدرت ایران و چین و تأثیر انتخاب زن را در پیروزی یک قدرت و شکست قدرت دیگر باز می‌نماید. اسیر شدن بیژن و رفتن رستم برای نجات او و آمدن منیژه به ایران به جنگی می‌انجامد که به عمر سلطنت افراسیاب و دستگاه وی پایان می‌دهد. شاهنامه در میان نقش‌های مختلف زن، در ایجاد و اتصال با قدرت کانونی انتقال برخورد و تضاد به درون هسته مرکزی قدرت به نقش زن از طریق همسر و روابط جنسی توجه می‌کند. در داستان سیاوش و سودابه جاذبه جنسی زن به عنوان عامل ایجاد تضاد و برخورد میان فرزند و پدر به کار گرفته می‌شود. سودابه با ابراز علاقه به سیاوش دو هدف دارد: اول اینکه با ایجاد دشمنی بین کاووس و سیاوش، می‌تواند کاووس را از میان بردارد یا با از میان برداشتن سیاوش، به قدرت بیشتری دست یابد. سودابه با داشتن یک فرزند پسر می‌تواند عامل پیوند و ادغام قدرت‌های ایران و هاماوران باشد. در نتیجه، می‌توان گفت ازدواج درون‌گروهی باعث دوام قدرت می‌شود و ازدواج برون‌گروهی باعث افزایش قدرت. در سراسر شاهنامه زن به عنوان پایه اصلی این ازدواج نقش مهمی ایفا می‌کند. زن نژاده ایرانی در سراسر شاهنامه یک تصویر بیش ندارد و صفات او نیز متعالی است، منتها با شدت و ضعف در افراد: آخته قد، مشک موی، کمان ابرو، کمندگیسو، سیمین قلم، غنچه لب، گلرخ، سیم ساق، سیمین ساعد و نرم اندام است. بهشتی است پر از رنگ و بوی، وفادار، مهربان، خویشتر دار، خردمند و پارسا. (ندوشن، ۱۳۷۲: ۲۹)

تصاویر زن در شاهنامه از قالب کلی تصاویر ذهنی فردوسی مستثنی نیست. فردوسی زنان را در زیبایی به ستارگان، خورشید و ماه همانند می‌کند و این غنی‌ترین منبع الهام فردوسی در ساختن تصویر زن است. مانند ترکیبات خورشیدرو، خورشید کابلستان، سهیل یمن، گیتی فروز، ماه تابنده، ماه رخ و... (رستگار فسایی، ۱۳۶۹: ۲۳۶)

فردوسی در جای‌جای نامه باستان از دلاوری و هوشیاری زنان، به ویژه زنان ایرانی، سخن به میان آورده و آنان را همپای مردان وارد اجتماع کرده و مقام و منزلتی بس والا به آن‌ها بخشیده است.

بقیه مطلب در وبگاه نشر به

زن در شاهنامه عامل انسجام قلمروهای حکومتی است. در ازدواج درون‌گروهی عامل پایداری قدرت است و در ازدواج برون‌گروهی نقش مؤثری در جذب، دفع و حذف قدرت دارد

کنش‌کنش بین حق و ناحق بر سر زن برون‌گروهی که صورت‌تاسر شاهنامه، بر سر زن به وجود نمی‌آید